آرنت نشان داد شر مدرن در نظام‌های توتالیتر می‌تواند سیستمی و اداری شود، جایی که فرد به «کارکرد» تبدیل می‌شود و اطاعت عادی‌شده، انسان‌ها را به ابزار شر تبدیل می‌کند.

آیشمن در پارک


دکتر محمد نوری

در جایی خوانده بودم که فرایند شفا از جایی آغاز می‌شود که آدم بفهمد نباید با اتفاق‌های معمول زندگی مثل یک وضعیت اضطراری رفتار کند.

بعد از خواندن آن جمله، تصمیم گرفتم زندگی را کمتر جدی بگیرم. آن‌همه جدیت، آن‌همه عصاقورت‌دادگی، آن‌همه تامل در پنهان و آشکار و ریز و درشت...آخرش به کجا رسیدم؟ هیچ!

تصمیم گرفتم ساده حرف بزنم، راحت بپوشم و بی‌تکلف زندگی کنم. برای شروع این رویکرد جدید، عصر یک روز پاییزی رفتم پارک. یک بستنی قیفی گرفتم و مثل کودکان به آن لیس زدم و هر بار با رضایت گفتم: «به‌به!»

روبرویم، با فاصله‌ای کم، دو جوان دور یک میز پتنی دایره‌ای‌شکل نشسته بودند و شطرنج بازی می‌کردند. چند کتاب هم کنارشان بود؛ کتاب‌هایی که جلدشان می‌گفت اینها اهل خواندن‌اند، نه فقط اهل بازی.

چند دقیقه بعد، پیرزنی با موهای نقره‌ای کوتاه و صورتی پر، آرام آمد و روی نیمکت کنارم نشست. هر بار که من می‌گفتم «به‌به»، او سرش را کمی کج می‌کرد، نگاهی عمیق به من می‌انداخت و دوباره در فکر فرو می‌رفت؛ وقتی به من نگاه می‌کرد با کی شدیم هشتاد میلیون واضحی توی چشمانش برق می‌زد. ناگهان سر و صورتمان خیس شد. یکی از کارکنان فضای سبز پارک داشت گل‌های پشت سرمان را آب می‌داد و بی‌هوا شلنگ را به سمت ما گرفته بود.

پیرزن با عصبانیتی مهارشده گفت: «نمی‌بینی این‌جا نشسته‌ایم؟!»

مرد، بی‌آن که سمتمان را نگاه کند، گفت: «خانم من فقط به کارگر دستور بگیرم. به من دستور دادند به این گل‌ها آب بدم.»

من، با همان حال کودک‌وار، لیس جانانه‌ای به بستنی‌ام زدم و خندان گفتم: «شما مأمور آب دادن به گل‌ها هستید یا خیس کردن مردم؟» بعد اضافه کردم: «یعنی نمی‌توانید خودتان تصمیم بگیرید؟ فقط دستور را اجرا می‌کنید؟» مأمور چیزی نگفت و شلنگ را کمی آن‌طرف‌تر گرفت.

پیرزن به من نگاه کرد و گفت: «همین‌جاست که فلسفه وارد می‌شود.» فکر کردم که این پیرزن مو کوتاه تپل دارد مرا دست می‌اندازد. آخه این صحنه چه ربطی به فلسفه دارد. سکوت کوتاهی افتاد. بعد ادامه داد: «تصور کنید آدم‌ها بدون فکر کردن، فقط دستور را اجرا کنند. این همان چیزی است که من به آن می‌گویم «ابتذال شر.»

با تعجب گفتم: «ابتذال شر؟! یعنی چی؟»

و بستنی را به طرفش گرفتم. آن دو جوان شطرنج‌باز از صحنه خنده‌شان گرفته بود و داشتند با مأمور فضای سبز شوخی می‌کردند. یکی‌شان لهجه جنوبی داشت. پیرزن لبخند کوتاهی زد و گفت: «ابتذال شر یعنی وقتی آدم‌های کاملاً معمولی، بدون نفرت، بدون قصد جنایت، فقط به این دلیل که «دستور است»، کاری می‌کنند که نتیجه‌اش فاجعه است. شر همیشه هیولا نیست؛ گاهی کارمند منضبط است.» بعد آرام‌تر ادامه داد: «من این را در محاکمه آدولف آیشمن دیدم. مردی کاملاً عادی، نه دیوانه، نه سادیست. فقط فکر نمی‌کرد. فقط اطاعت می‌کرد. و همین کافی بود». گفتم: «یعنی دقیقاً مثل همین آقا که می‌گوید دستور دارم؟» سر تکان داد: «دقیقاً. شر اغلب از نفرت نمی‌آید؛ از عادت می‌آید، از بی‌فکری، از تعلیق داوری.»

حرف‌های ما توجه آن دو جوان را جلب کرده بود. جوان جنوبی از پشت میز شطرنج بلند شد و نزدیک آمد. سلام کرد و گفت چه بحث جالبی. میشه یک سوال هم مو بپرسوم؟! پیرزن با تکان دادن سر تایید کرد. جوان جنوبی گفت: «حاجیه خانوم! یعنی اگه ما فقط دستور را اجرا کنیم، دیگه مسئولیتی نداریم؟»

پیرزن گفت: «مسئولیت دقیقاً از همان‌جا شروع می‌شود که هنوز می‌توانی فکر کنی. انسان، حتی زیر دستور، از اندیشیدن معاف نمی‌شود. من که بستنی‌ام تمام شده بود دستم را پاک کردم، بلند شدیم: «پس آدم‌های معمولی هم می‌توانند، ناخواسته، شر تولید کنند؟»

گفت: «بله، این خطرناک‌ترین نوع شر است.» جوان دوم هم نزدیک شد و با احتیاط گفت: «ببخشید شما کارتان چیست؟ استاد دانشگاه‌اید؟» پیرزن مکثی کرد. بعد آرام گفت: «هانا آرنت هستم.» جوان جنوبی خندید و گفت: «هله‌هله! ولک من هم هایدگرم! گی به کیه عاموا!»

پیرزن نگاهش کرد؛ نه با خشم، نه با تحقیر. گفت: «من در آلمان به دنیا آمدم، یهودی بودم و تجربه حکومت نازی را از سر گذراندم. همین تجربه بود که مرا واداشت درباره اطاعت، مسئولیت و سیاست فکر کنم.»

جدیت خانم آرنت پوزخند را بر لبان آن جوان جنوبی خشکاند. این بار پرسشگرانه و جدی گفت: «کتاب‌هایتان هم درباره همین‌هاست؟»

هاما آرنت گفت: «در آیشمن در اورشلیم درباره ابتذال شر نوشتم. در وضع بشر فرق میان کار، تولید و عمل توضیح داده‌ام و نشان داده‌ام چرا "عمل" ما را وارد سیاست می‌کند. در نوشته‌هایم درباره توتالیتاریسم، ریشه‌های دیکتاتوری را بررسی کرده‌ام. همه‌شان یک پرسش مشترک دارند: انسان کِی فکر کردن را کنار می‌گذارد؟»

با خودم گفتم: «تورو خدا ببین امروز که تصمیم گرفتم کمی بی‌خیال دموکرات (بر وزن لیبرال دموکرات!) باشم و با ساده انگاری بگذرانم، وارد چه مباحث جدی شدم.» بلند گفتم: «پس سیاست فقط دعوای قدرت نیست؟»

گفت: «نه. سیاست از جایی شروع می‌شود که انسان مسئولانه عمل می‌کند، حتی وقتی اطاعت ساده‌تر است.» جوان گفت: «یعنی هرکدام از ما می‌توانیم یا زنجیره شر را ادامه بدهیم، یا متوقفش کنیم.»

پیرزن لبخند زد: «دقیقاً.»

رفتنکیف‌اش را برداشت و پیش از گفت: «شر معمولاً با فریاد نمی‌آید. آرام، عادی، و با جمله‌ای ساده وارد می‌شود: «من فقط دستور را اجرا می‌کردم.»

رفت.

اگر فروشنده‌های دوره‌گرد جوراب و آدامس با اصرار زیاد برای فروش جنس‌شان، حوصله خانم آرنت را نمی‌بردند و ما می‌توانستیم گفت‌وگوی پارک را دقایقی ادامه دهیم، احتمالاً بحث از «شر» عبور می‌کرد و به پرسش‌های بنیادی‌تری می‌رسید؛ پرسش‌هایی که تمام عمر هانا آرنت را درگیر کرده بود.

آرنت معتقد بود شر بزرگ غالبا از توقف تفکر آغاز می‌شود در تحلیل او، مشکل اصلی صرفاً اطاعت کورکورانه نیست، بلکه رابطه تفکر با عمل است. تفکر به‌عنوان گفت‌وگوی خاموش با خویشتن، شرط لازم برای داوری است ـ توانایی تشخیص درست از نادرست بدون تکیه بر قواعد ازپیش تعیین‌شده. فقدان داوری (مانند مورد آیشمن) از فقدان دانش خطرناک‌تر است.

آرنت نشان داد شر مدرن در نظام‌های توتالیتر می‌تواند سیستمی و اداری شود، جایی که فرد به «کارکرد» تبدیل می‌شود و اطاعت عادی‌شده، انسان‌ها را به ابزار شر تبدیل می‌کند. یکی از شرایط امکان توتالیتاریسم، انزوای سیاسی است: «حذف افراد از فضای عمومی و محرومیت از گفت‌وگو، تا جایی که حتی گفتگوی درونی نیز متوقف شود.»

در نگاه آرنت، اخلاق فراتر از پیروی کورکورانه از قانون است. او این پرسش بنیادی را مطرح می‌کرد: اگر قانون خود ناعادلانه باشد، یا اگر دستوری غیرانسانی صادر شود، فرد برای تشخیص درست از نادرست به چه چیزی می‌تواند تکیه کند؟ پاسخ آرنت روشن و هشداردهنده بود: تکیه‌گاه نهایی، قوه‌ی داوری شخصی هر فرد است. این به آن معناست که هیچ نظام قانونی، دستور مافوق یا عرف اجتماعی نمی‌تواند بار مسئولیت اخلاقی را به طور کامل از دوش انسان بردارد. حتی در تاریک‌ترین نظام‌ها، فرد با توانایی تفکر و داوری خود، آخرین سنگر در برابر شری است که «عادی» شده است.

اصطلاحات کلیدی

۱ـ ابتذال شر: Banality of Evil

شر می‌تواند نتیجه‌ی اطاعت مکانیکی و بی‌فکری باشد، نه الزاماً نیات شیطانی.

۲ـ مسئولیت فردی:

حتی در نظام‌های اقتدارگرا، انسان نمی‌تواند از اندیشیدن و داوری اخلاقی معاف شود

۳ـ تعلیق داوری Suspension of Judgment:

وقفه در قضاوت اخلاقی، ریشه‌ی بسیاری از فجایع است.

۴ـ کار، تولید و عمل Labor, Work, Action:

کار: فعالیت‌های ضروری برای بقا

تولید: خلق اشیاء و آثار پایدار

عمل: ورود به عرصه عمومی، سخن گفتن و مسئولیت‌پذیری

۵ـ سیاست به‌مثابه مسئولیت :

میدان ظهور انسان اندیشنده؛ نه دعوای قدرت، نه مدیریت فنی

۶ـ تفکر :Thinking

گفت‌وگوی درونی با خود که زمینه‌ی اخلاق و داوری را فراهم می‌کند

۷ـ داوری :Judgment

توانایی تشخیص درست از نادرست در موقعیت‌های خاص، بدون تکیه صرف بر قانون

۸ـ فضای عمومی :Public Realm

محل دیده شدن، شنیده شدن و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها؛ زیربنای سیاست واقعی

۹ـ شجاعت سیاسی :

ضروری برای عمل مسئولانه در عرصه عمومی؛ فقدان آن باعث عادی‌سازی اطاعت و شر می‌شود.

زندگینامه مختصر هانا آرنت

هانا آرنت (۱۹۰۶ـ۱۹۷۵) فیلسوف و نظریه‌پرداز سیاسی آلمانی ـ یهودی بود که با تجربه زندگی در دوران نازیسم و مهاجرت به آمریکا، به مطالعه قدرت، توتالیتاریسم و مسئولیت فردی پرداخت. آثار او به تحلیل کنش انسانی، سیاست، اخلاق و مشارکت مدنی می‌پردازد.

شناسه چاپ: ۲۷۲۶۷۴۳
شناسه آگهی: ۲۰۷۲۲۲۸

سازمان آب و برق خوزستان

آگهی مزایده عمومی

شماره ۲۹۱ / ۱۴۰۴

مزایده عمومی واگذاری مصالح مازاد رودخانه‌ای در رودخانه زهره سه محدوده و خیرآباد در ازای لایروبی از طریق مزایده عمومی

شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان در نظر دارد مصالح مازاد رودخانه‌ای در رودخانه زهره سه محدوده و خیرآباد در ازای لایروبی از طریق مزایده عمومی خود را با جزئیات مندرج در اسناد مزایده و با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir با شماره مزایده ۱۰۰۴۰۰۱۵۹۷۰۰۰۰۲۰ به‌صورت الکترونیکی به مراکز اسقاط دارای صلاحیت به فروش برساند.

زمان انتشار در سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت:
۱۴۰۴/۰۸/۲۰
مهلت خرید اسناد مزایده از سامانه:
۱۴۰۴/۰۸/۲۰ لغایت ۱۴۰۴/۱۰/۰۶
تاریخ بازدید از مورد مزایده:
از ساعت ۰۹ تا ۱۱ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۶ بر اساس جدول مندرج در اسناد مزایده (بازدید به صورت گروهی انجام می‌شود)
آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت:
ساعت ۱۵ روز ۱۴۰۴/۱۰/۱۶
زمان بازگشایی:
ساعت ۱۰ صبح روز ۱۴۰۴/۱۰/۱۷
زمان اعلام برنده: ۱۴۰۴/۱۰/۱۸
ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی می‌باشد:

۱. برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده (در صورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکات، اعلام به برنده، واریز وجه مزایده در بستر سامانه امکان‌پذیر می‌باشد.

۲. پیشنهاد دهنده موظف است پس از مطالعه دقیق اسناد وتکمیل فرمها و امضاء الکترونیکی، همه اوراق و اسناد مزایده را در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) ثبت نماید.

۳. توصیه می گردد قبل از ارائه پیشنهاد قیمت، از محل موضوع مزایده بازدید به عمل آورید.

۴. علاقمندان به شرکت در مزایده می‌بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی(توکن) با شماره‌های ذیل تماس حاصل نمایند:

مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه تدارکات الکترونیکی دولت:
۰۲۱_۴۱۹۳۴ اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان‌ها، در سایت سامانه www.setadiran.ir بخش «ثبت نام/پروفایل مزایده‌گر» موجود است.

روابط عمومی شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان